



مرد نقاش با شلیک گلوله شوهر پولدار زن مورد علاقه‌اش را کشت

تهران (پانا) - زن و مرد هنرمندی که پس از سال‌ها در اینستاگرام یکدیگر را پیدا کرده بودند نقشه جنایتی خونین را کشیدند.

به ZWNJ گزارش خراسان، مرد نقاش که با شلیک گلوله شوهر پولدار زن مورد علاقه ZWNJ؛ اش را کشته بود دیروز در دادگاه مدعی شد شلیک مرگبار اتفاقی رخ داده است.

شلیک مرگبار

عصر بیست و هشتم بهمن سال ۹۵ صدای شلیک گلوله ZWNJ؛ ای در بزرگراه آزادگان پیچید و مرد ۳۷ ساله ZWNJ؛ ای به نام احمد که مشغول پنچرگیری لاستیک پژو ۲۰۶ بود قربانی شلیک گلوله یک مرد موتور سوار شد. مرد موتور سوار پس از شلیک خونین بلافاصله گریخت و همسر احمد به نام نیلوفر با پلیس تماس گرفت. این زن به ماموران گفت: لاستیک ماشینم پنچر شده بود به ZWNJ؛ همین دلیل با شوهرم تماس گرفتم. وقتی شوهرم به اتوبان آزادگان آمد و مشغول پنچرگیری بود یک موتورسوار ناشناس به سمت شوهرم شلیک کرد و گریخت. در حالی ZWNJ؛ که فرضیه جنایت کینه ZWNJ؛ جویانه قوت گرفته بود پلیس به بررسی پرداخت و به رابطه پنهانی نیلوفر با یک مرد نقاش به نام امین پی برد.

بازداشت مرد هنرمند

امین ۳۵ ساله که فوق ZWNJ؛ لیسانس هنر داشت و یک نقاش حرفه ZWNJ؛ ای بود ردیابی و بازداشت شد و به شلیک خونین اعتراف کرد.

او در بازجویی ZWNJ؛ ها گفت: من تابلوی نقاشی می ZWNJ؛ کشم و هر چند ماه یک ZWNJ؛ بار نمایشگاه نقاشی می ZWNJ؛ گذارم. من قبلا در یک هنرستان نیز تدریس می ZWNJ؛ کردم و تابلوهای نقاشی ZWNJ؛ ام را برای فروش در اینستاگرام می ZWNJ؛ گذاشتم تا این که نیلوفر برایم پیام فرستاد.

عشق ممنوعه

او ادامه داد: من و نیلوفر از سال ZWNJ؛ ها قبل یکدیگر را می ZWNJ؛ شناختیم و به ZWNJ؛ هم علاقه ZWNJ؛ مند بودیم اما به ZWNJ؛ دلیل بعضی مسائل رابطه ما به ZWNJ؛ هم خورد و نیلوفر با یک مرد پولدار ازدواج کرد. او افزود: پس از سال ZWNJ؛ ها نیلوفر از طریق اینستاگرام مرا پیدا کرد و برایم پیغام فرستاد. او که حالا صاحب یک پسر سه ساله است از بد رفتاری ZWNJ؛ های شوهرش به من گفت و این ZWNJ؛ که احمد به شیشه معتاد است و با زنان زیادی رابطه دارد. او از بد اخلاقی ZWNJ؛ های شوهرش گله ZWNJ؛ مند بود و می ZWNJ؛ گفت احمد همیشه او را کتک می ZWNJ؛ زند. من که تحت ZWNJ؛ تاثیر حرف ZWNJ؛ های نیلوفر قرار گرفته بودم به ملاقات او رفتم و این شروع رابطه دوباره ما با هم بود.

نقشه شوم

مرد نقاش گفت: رابطه ما دوباره با هم شروع شد من و نیلوفر عاشق هم شده بودیم. به ZWNJ؛ همین دلیل تصمیم گرفتیم احمد را بکشیم و باهم ازدواج کنیم. من به اصفهان رفتم و یک تفنگ شکاری خریدم. من میخی را به نیلوفر دادم تا با آن لاستیک ماشینش را پنچر کند و با شوهرش تماس بگیرد. اما نتوانست این کار را بکند. به ZWNJ؛ همین دلیل خودم به اتوبان آزادگان رفتم و ماشین ۲۰۶ نیلوفر را پنچر کردم. همان زمان او با شوهرش تماس گرفت. احمد در حال پنچرگیری ماشین بود که من با موتور بالای سرش رفتم و به سمت او شلیک کردم.

به ZWNJ؛ دنبال اعتراف ZWNJ؛ های مرد نقاش، نیلوفر نیز لب به اعتراف گشود. او گفت: من و امین سال ZWNJ؛ ها قبل عاشق یکدیگر بودیم اما نتوانستیم با هم ازدواج کنیم. من هم تابلوی نقاشی می ZWNJ؛ کشیدم و در امور آرایشگری فعالیت داشتم تا این که در اینستاگرام امین را پیدا کردم و برای او پیغام فرستادم. بعد از این که چندبار به ملاقات امین رفتم او پیشنهاد

قتل شوهرم را مطرح کرد. او از من خواست تا شوهرم را به بهانه پنچر شدن لاستیک ماشین به اتوبان آزادگان بکشانم. وقتی شوهرم به آن ZWNJ&جا آمد، امین با تفنگ ساچمه ZWNJ&ای که خریده بود به سمت شوهرم شلیک کرد. به ZWNJ&دنبال اعتراف ZWNJ&های زن و مرد نقاش و بازسازی صحنه جرم آن ZWNJ&ها دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان ZWNJ&زاده و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستادند.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده، اولیای دم برای مرد نقاش حکم قصاص خواستند. سپس او در جایگاه ویژه ایستاد و منکر اتهام قتل عمدی شد. او گفت: نیلوفر مدام از بد رفتاری ZWNJ&های شوهرش با من درددل می ZWNJ&کرد. او و برادرش از من خواستند تا تفنگی را در ماشین احمد جاسازی کنم تا بتوانند برای او پاپوش درست کنند. من ZWNJ&هم قبول کردم. او ادامه داد: آخرین بار نیلوفر به من زنگ زد و گفت ماشینش پنچر شده است و از من خواست تا به او کمک کنم. من با موتور به اتوبان آزادگان رفتم و متوجه شدم قبل از من شوهر نیلوفر به آن ZWNJ&جا رسیده و مشغول پنچرگیری است. نیلوفر همان زمان تلفنی به من گفت تا احمد مشغول پنچرگیری است باید از فرصت استفاده کنم و اسلحه را در ماشین او جاسازی کنم. من می ZWNJ&خواستم اسلحه را داخل ماشین بگذارم که یک ZWNJ&باره یک تیر از آن شلیک شد و به احمد برخورد کرد. مرد نقاش گفت: من واقعا قصد قتل نداشتم و مرگ احمد یک اتفاق بود. از اسلحه من فقط یک تیر شلیک شده و نمی ZWNJ&دانم بقیه تیرها را چه کسی به مقتول زده است ZWNJ&. سپس نیلوفر که با قرار وثیقه آزاد بود در جایگاه ویژه ایستاد و منکر اتهام معاونت در قتل شوهرش شد. او گفت: بعد از این که امین را پس از سال ZWNJ&ها در اینستاگرام پیدا کردم پنج بار به ملاقات او رفتم.

او مدام از همسرم بدگویی می ZWNJ&کرد و می ZWNJ&گفت او با زنان زیادی رابطه دارد و باید او را بکشیم. او حتی مرا تشویق کرده بود تا از همسرم جدا شوم. من هم تصمیم به جدایی داشتم اما پس از مدتی به ZWNJ&خاطر فرزندم پشیمان شدم. او در تشریح جزئیات ماجرا گفت: آخرین ZWNJ&بار احمد با من تماس گرفت و با موتور دنبالم آمد و از من خواست تا با ماشین پشت سر او حرکت کنم. او می ZWNJ&گفت می ZWNJ&خواهد شوهرم را گوشمالی بدهد. وقتی کنار اتوبان رسیدیم از من خواست تا ماشین را پنچر کنم اما نتوانستم. به همین دلیل خودش باد یکی از لاستیک ZWNJ&ها را خالی کرد و از من خواست تا با شوهرم تماس بگیرم. من در ماشینم روی صندلی شاگرد نشسته بودم و شوهرم مشغول پنچرگیری بود که صدای چند شلیک را شنیدم. احمد به ZWNJ&تنهایی به شوهرم شلیک کرده بود و من از نقشه او برای قتل بی ZWNJ&خبر بودم.

با پایان اظهارات این زن قضات وارد شور شدند تا درباره این پرونده حکم صادر کنند.

تحلیل کارشناس

راه ZWNJ&های غیرمتعارف

محمود تسلیمی جامعه ZWNJ&شناس

تصمیم ZWNJ&های اشتباه برای حل یک مشکل چه عاطفی باشد چه کاری و... همیشه راه ZWNJ&های نامتعارف را پیش روی فرد می ZWNJ&گذارد که عاقبت خوشی ندارد.

در این پرونده می ZWNJ&بینیم نیلوفر با وجود علاقه به امین که یک هنرمند است و باید روحیه لطیفی داشته باشد تحت هر شرایطی تصمیم به ازدواج با مرد دیگری می ZWNJ&گیرد و در این مسیر امین است که تنها می ZWNJ&ماند و نیلوفر مادر می ZWNJ&شود و عجیب این که این راه نامتعارف را با انتخاب ZWNJ&های بدتری پیچیده ZWNJ&تر می ZWNJ&کند و در حالی ZWNJ&که باید روی مادر بودن متمرکز شود یا اگر شوهرش بد رفتار است با رفتن نزد مشاور این ناهنجاری درون خانوادگی را حل کند یا حتی در نهایت برای اقدام به طلاق به دادگاه برود، به جست ZWNJ&جوی عشق قدیمی ZWNJ&اش در اینستاگرام می ZWNJ&گردد و یک انحراف بزرگ چه از لحاظ اخلاقی و چه از لحاظ شخصیتی رخ می ZWNJ&دهد.

از طرف دیگر مرد هنرمند با وجود اطلاع از این که نیلوفر ازدواج کرده است و بچه ZWNJ&ای هم دارد با شنیدن درددل ZWNJ&های او که از شوهرش بد می ZWNJ&گوید چشم بسته می ZWNJ&پذیرد او را همراهی کند این در حالی است که امین به ZWNJ&خاطر دست یافتن به عشق قدیمی ZWNJ&اش همه اخلاقیات را زیر پا می ZWNJ&گذارد و دانسته وارد زندگی زن شوهرداری می ZWNJ&شود و نیلوفر هم انگیزه بیشتری پیدا می ZWNJ&کند تا به ZWNJ&جای اصلاح مشکلاتش با شوهرش به ZWNJ&دنبال راهی برای فرار از دست او باشد و همین ZWNJ&ها کافی است تا جنایتی رخ دهد. طی کردن راه ZWNJ&های غیرمتعارف همیشه باعث اتفاقاتی می ZWNJ&شود که دیگر قابل جبران نیست و در این پرونده

شاهد هستیم طرفین مرتب تصمیمات اشتباهی گرفته‌اند و فاجعه‌ای به نام قتل رخ داده است. به نظر می‌رسد باید روش‌های زندگی و نحوه تصمیم‌گیری درست را در مدارس به دانش‌آموزان آموزش داد. متأسفانه برخی افراد در جامعه در برابر مشاوره‌پذیری مقاومت می‌کنند در حالی‌که باید بدانیم علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.